

رسالت مسیر شغلی از منظر قرآن کریم: (مطالعه موردی سوره حضرت یوسف)

Career Calling from Perspective of the Quran (Case Study: Surah Yusuf)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۰۸، تاریخ دریافت نسخه نهایی: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

N.Pordelan., (PhD), S.Khalijian., (PhD),

S.Khamsehzhadeh., (M.A Student),

H.Heydari., (M.A), & H.Ghavidel., (M.A)

نوشین پردلان^{۱*}، صدف خلیجیان^۲، شکوفه خمسه

زاده^۳، حمید حیدری^۴ و هانیه قوبدل^۵

چکیده

Abstract

Career calling means believing in this principle that the person's life is a fundamental part of the broad sense of goal and meaning in life and is used in helping people to advance their goals particularly. The purpose of the current study was to investigate career calling from the perspective of the Quran as a case study by Surah Yusuf. The findings showed that we had addressed all aspects of job calling in the Quran, particularly in Surah Yusuf. By studying and collecting evidence, we can conclude that a significant part of the fundamental roots of the career calling Theory (WCT) concentrates on the Quran and, in particular, Surah Yusuf, which has functioned as a model for this theory. The Quran emphasizes the characteristics and goals of an issue that has rarely been addressed in the existing ideas or assessment tools. As a result, through being inspired by the commands of the Quran in terms of career and providing a professional-religious model, context for successful employment can be provided, and also assess new variables, such as calling characteristics.

Keywords: Career Calling, Surah Yusuf, the Quran, Career Calling Theory

رسالت شغلی شامل اعتقاد به این که زندگی فرد بخشی اساسی از مفهوم گسترده هدف و معنا در زندگی است و برای کمک به دیگران جهت پیشبرد اهداف والاتر با شیوه ای خاص به کار می‌رود، می‌باشد این پژوهش با هدف بررسی رسالت مسیر شغلی از منظر قرآن کریم و مطالعه موردی سوره حضرت یوسف انجام شد. یافته‌ها نشان داد که در قرآن کریم و به خصوص در سوره حضرت یوسف به صورت همه جانبه به ابعاد مختلف رسالت مسیر شغلی پرداخته شده است، همچنین با مطالعه و جمع آوری شواهد می‌توان نتیجه گرفت که قسمت اعظمی از ریشه‌های بنیادی نظریه رسالت مسیر شغلی به قرآن کریم و به خصوص سوره حضرت یوسف می‌پردازد و از سوره حضرت یوسف الگو گرفته است. همچنین تاکید قرآن بر صفات و ویژگی‌های رسالت موضوعی است که در نظریه‌های موجود و یا ابزارهای سنجش رسالت کمتر به آن توجه شده است. در نتیجه با الهام گرفتن از دستورات قرآن به خصوص در زمینه شغلی و ارائه الگویی شغلی-مذهبی، می‌توان زمینه لازم برای اشتغال موفقیت آمیز را فراهم آورد و همچنین متغیرهای جدید تر از جمله صفات رسالت را مورد سنجش قرار داد.

کلید واژگان: رسالت مسیر شغلی، سوره حضرت یوسف، قرآن کریم، نظریه رسالت مسیر شغلی

۱. گروه مشاوره، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Pordelan@Srbiau.Ac.Ir
۲. گروه مدیریت آموزشی و توسعه منابع انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۳. گروه مشاوره، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۴. گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۵. گروه فلسفه، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

رسالت مسیر شغلی^۱ ذهنیت، گرایش یا دورنمایی است که افراد، گروه‌ها یا فرهنگ‌ها از آن برای معنا بخشیدن به کار خود استفاده می‌کنند (هارتونگ، ساویکاس و والش^۲، ۲۰۱۵). تحقیقات صورت گرفته در خصوص بررسی کار به عنوان یک رسالت، در طول ده سال گذشته افزایش یافته است (داگلاس و دافی^۳، ۲۰۱۵) و در مفهوم حرفه‌ای به عنوان "کاری که یک فرد به عنوان هدف خود در زندگی درک می‌کند" توصیف شده است (هارتونگ و همکاران، ۲۰۱۵). ایده‌ی رسالت مسیر شغلی از ادیان مختلف سرچشمه گرفته و پس از مفهوم اخلاق شغلی پروتستان ماکس وبر، رواج یافت (مایرز^۴، ۲۰۱۳). رسالت در ابتدا به عنوان فراخوانده شدن توسط خداوند برای انجام کارهایی که از نظر اخلاقی و اجتماعی معنادار هستند، تعریف شد (دافی، سدلاچک^۵، ۲۰۱۰). بعدها، محققان استدلال کردند که فراخوانی شغلی لزوماً به باورهای مذهبی مربوط نمی‌شود، بلکه بیشتر بازتابی از جهت‌گیری ارزش کاری افراد است (لوبن و مید^۶، ۲۰۱۳).

بلاه، مادسن، سالیوان، اسویندلر و تیپتون^۷ (۲۰۰۷) در کتاب خود با عنوان عادت‌های قلبی، برای نخستین بار بین شغل و گرایش‌های رسالت مسیر شغلی تفاوت قائل شدند. به نظر آنها کسانی که دارای گرایش شغلی هستند، به منظور دستیابی به موفقیت کار می‌کنند و رضایت آن‌ها با ارتقاء و ترفیع، حقوق و دستمزد و قدرت تامین می‌گردد. به عکس، کسانی که دارای گرایش رسالت مسیر شغلی هستند، صرفاً بر روی خود کار تمرکز می‌کنند که دارای ارزش ذاتی است و با هدفی گسترده‌تر، در اصل برای ارتقاء خیر و صلاح مشترک، پیوند می‌یابد.

رسالت ممکن است از یک شغل خاص یا اشتغال در ازای پول، فراتر باشد، احتمال دارد با گذشت زمان تغییر کند و در هر یک از نقش‌های زندگی می‌توان آن را کشف نمود. رسالت ممکن است معایبی نیز داشته، دام‌ها و پرتگاههایی برای فرد ایجاد نماید، اما با این وجود همچنان می‌تواند در زمان سختی و در مدیریت تغییرات در طول زندگی به فرد کمک کند، در دنیای ناپایدار کار برای فرد انسجام و ثبات به ارمغان آورده و یک احساس بهزیستی در زندگی و کارش ایجاد کند (مایرز، ۲۰۱۳). رسالت مسیر شغلی اغلب از یک مطالبه داخلی و یا خارجی ناشی می‌شود. این واقعیت که رسالت می‌تواند از یک مطالبه داخلی یا خارجی ایجاد گردد، جزء کلیدی

-
1. Career Calling⁴
 2. Hartung, Savickas & Walsh
 3. Douglass & Duffy
 4. Mayerz
 5. Duffy, Sedlacek, & Dik
 6. Lobene & Meade
 7. Bellah, Madsen, Sullivan, Swidler & Tipton

رسالت مسیر شغلی از منظر قرآن کریم: (مطالعه موردی سوره حضرت یوسف)

تعریف است که در آن نشان می‌دهد افراد می‌توانند رسالت داخلی (توسط خود) و یا خارجی (توسط خانواده، قدرت‌های بالاتر و ضرورت‌های جامعه) را احساس نمایند (دیک و دافی، ۲۰۱۴). پژوهشگران هم معانی متفاوتی برای رسالت پیشنهاد کرده‌اند که شامل مفهوم‌سازی‌های تک بعدی و چندبعدی است (دیک و دافی، ۲۰۰۹).

با وجودی که مفهوم سازی‌های تئوریک نشان می‌دهند که رسالت مسیر شغلی ممکن است چند بعدی باشد، برخی از پژوهش‌ها رسالت مسیر شغلی را عمدتاً یک بعدی می‌دانند. برای نمونه، دوپرو^۲ (۲۰۱۳)، رسالت مسیر شغلی را یکی از سه شکل گرایش کاری، یعنی شغل، زندگی کاری و رسالت مسیر شغلی در نظر می‌گیرد. دیک و دافی برای سنجش رسالت مسیر شغلی پرسشنامه‌ای طراحی کردند (cvq) که در مطالعات مختلف روایی و پایایی آن بررسی شده است. این پرسشنامه معیار چندمنظوره‌ای برای سنجش رسالت شغلی است و شامل ۲۴ گویه است که در سه بعد رسالت مسیر شغلی را مورد سنجش قرار می‌دهد (برنا، پردلان، خسروانی، خلیجیان، حسینیان، ۲۰۱۶). داستان زندگی حضرت یوسف نمونه بارز رسالت مسیر شغلی است به طوری که می‌توان گفت ریشه نظریه پردازی در مورد رسالت مسیر شغلی است. مایرز نظریه پرداز و نویسنده کتاب گفتگوهایی درباره رسالت مسیر شغلی چنین می‌نویسد: داستان اخلاق کاری حضرت یوسف نمونه‌ای از انجام رسالت در طول زندگی است و لذا از جزئیات سرگذشت کاری او استفاده کردم - شغل، مسیر شغلی، خدمت داوطلبانه و احساس وظیفه نسبت به خانواده و جامعه تا مطالب آموزشی را در مورد رسالت، رشد مسیر شغلی و تعهد کارمندان توسعه دهم. من از این مطالب برای برگزاری کارگاه برای جوانان در ایالات متحده و افریقای جنوبی در اواخر دهه ی ۱۹۹۰ استفاده کردم. با اینکه داستان یوسف دیدگاهی الهی نسبت به رسالت در من ایجاد کرده بود، اما این داستان پنجره‌ای برای جستجوی نظریات علوم اجتماعی مرتبط با این موضوع بود. داستان حضرت یوسف، در من شهودی نسبت به ساز و کارهای رسالت و مولفه‌های نظریه‌ای که در پی آن بودم ایجاد کرد. نظریه‌ی منسجمی در مورد رسالت وجود نداشت؛ اگر چنین نظریه‌ای می‌خواستیم، باید خودم می‌ساختیم در نتیجه، از داستان یوسف بینش‌هایی در مورد رهبری، توسعه‌ی استعداد، مشکلات شغلی، ارزش عملی گوناگونی، روش (سوء)مدیریت آن و نیز نقش ایمان در کار بدست آوردن و از آن زمان به بعد من مجموعه‌ای از مطالعات موردی را در مورد حضرت یوسف نوشته‌ام این گام اول من در نظریه سازی بود (مایرز، ۲۰۱۳).

با اینکه تا کنون تحقیقات متعددی در ایران به بررسی موضوع رسالت مسیر شغلی می‌پردازد (برنا و همکاران، ۲۰۱۶؛ پردلان، برنا، خلیجیان و طالبی، ۱۳۹۴؛ پردلان، علیزاده، خلیجیان و

1. Dik & Duffy

2. Dobrow

یزدانی، ۱۳۹۴). ولی تاکنون تحقیقات که در آن نظریه رسالت را از نظر قرآن مورد بررسی قرار دهد صورت نپذیرفته است. با توجه به مطالب گفته شده و عدم تحقیق جامعی در حوزه رسالت مسیر شغلی متناسب با بافت و فرهنگی ایرانی اسلامی در این پژوهش سعی شده است که به مطالعه و بررسی رسالت شغلی در قرآن کریم با مطالعه موردی سوره یوسف پرداخته شود

روش پژوهش

مطالعه حاضر به روش پژوهش تحلیلی-توصیفی انجام پذیرفته است و با بررسی متون قرآن مجید و کتاب و مقالات مختلف از اندیشمندان اسلامی و نیز دانشمندان و روانشناسان معاصر تلاش کرده است تا به تبیین مفهوم رسالت مسیر شغلی با مطالعه موردی سوره حضرت یوسف بپردازد و با دقت فراوان تلاش داشته است که مفهوم رسالت مسیر شغلی را در نگاه قرآن بیان دارد. در این مطالعه پس از مفهوم رسالت مسیر شغلی به بیان مولفه‌ها و نقاط قوت رسالت مسیر شغلی از منظر قرآن کریم پرداخته است

۱. ابعاد رسالت مسیر شغلی

طبق تحقیقات دیک و دافی (۲۰۰۹) رسالت مسیر شغلی دارای سه بعد مرتبط با هم می‌باشد. رسالت مسیر شغلی، وقتی به عنوان اسم بکار رود، به یک فرمان، درخواست یا دعوت جهت رفتن به جایی یا انجام کاری اشاره دارد. این امر مستلزم وجود یک رسالت‌دهنده یا منبع فراخوان است، یعنی کسی که رسالت را صادر می‌کند. در طول تاریخ این واژه اشاره به مسئولیت کار کردن به شیوه‌ای داشته که برای دیگران مفید و سودمند باشد. استوارت باندرسون^۱ و جفری تامپسون^۲ بر اهمیت وظیفه و سرنوشت تاکید می‌کنند، مفاهیمی که در دیدگاه‌های سنتی محوری هستند، اما در مفهوم پردازیه‌های مدرن چندان نقشی ندارند. معنای لفظی واژه رسالت تایید کننده این تصور است که "رسالت مسیر شغلی از یک منبع خارجی می‌آید و کاربرد تاریخی آن بر پذیرش و پیگیری رسالت به عنوان وظیفه‌ای در قبال جامعه و منفعت عام تاکید می‌کند". دیک و دافی در ابتدا رسالت مسیر شغلی را به عنوان فراخوانی متعالی تعریف می‌کنند که گویی فراتر از خود نشأت می‌گیرد تا فرد را به نقشی خاص در زندگی نزدیک کند، به شیوه‌ای که حس هدفمندی یا معناداری خاصی را نشان داده یا به دست می‌دهد و ارزشها و اهداف دیگر- محور را به عنوان سرچشمه‌های اصلی انگیزه به کار می‌گیرد. با توجه به طولانی بودن این تعریف، آن را به بخشهای تشکیل دهنده‌اش تجزیه می‌کنند (دیک و دافی، ۱۳۹۵):

1. Stuart Bunderson
2. Jeffrey Thompson

۱-۱. فراخوان متعالی^۱

بعد اول این تعریف نشانگر این اعتقاد است که رسالت مسیر شغلی مستلزم یک رسالت‌دهنده می‌باشد. منبعی که خصوصاً در ایالات متحده، که در آن ۹۲ درصد بزرگسالان می‌گویند به خدا یا به روحی جهانی اعتقاد دارند (دیک و دافی، ۲۰۱۳). در داستان حضرت یوسف و دیگر پیامبران به وضوح مشخص هست رسالت مسیر شغلیشان از یک سرچشمه الهی (خداوند) می‌باشد: ((وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَّبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۖ إِنَّا إِبرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ ۖ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ)) (یوسف، ۶)^۲

۱-۲. هدف و معنا در کار

بعد دوم این تعریف بر احساسات شخصی و معنای آن در کار و نیز در زندگی تمرکز می‌کند. رسالت مسیر شغلی ممکن است دربردارنده کسب نوعی حس هدفمندی باشد، مانند وقتی که کار شخص واقعاً به حس معناداری زندگی کمک می‌کند. مانند یک شیرینی فروش که از لذت بردن مشتریان احساس لذت می‌کند. بخشی از آنچه زندگی را برای وی شیرین می‌کند، شادی نابی است که از بکارگیری استعدادهای هنری و آشپزی‌اش در پخت دسرهایی ناشی می‌شود که به مردم کمک می‌کند، برای لحظه‌ای کوتاه، مشکلات خود را فراموش کرده و تجربه رنگارنگ تری از زندگی داشته باشند. وقتی مردم رسالت مسیر شغلی داشته باشند، حس معنا و هدف کارآنان با حس گسترده‌تر معنا و هدف زندگیشان هم راستا شده که این مسأله باعث احساس ثبات و انسجام در زندگی فرد می‌شود (دافی و دیک، ۲۰۱۳) در داستان حضرت یوسف هدفمندی نیز مشخص می‌باشد مانند زمانی که حضرت یوسف از خداوند متعال خواست که او را به زندان بیندازد. زیرا در غیر این صورت حضرت یوسف نمی‌توانست به رسالت خود عمل کند و مجبور بود که با زنان رابطه داشته باشد و از بی‌خردان باشد (مجلسی، ۱۳۸۴)

۱-۳. انگیزه‌های دیگر - خواهانه^۳

بعد سوم نیز بر یک جزء کلیدی رسالت مسیر شغلی از لحاظ تاریخی تاکید می‌کند و آن این است که کار باید در راستای بهزیستی دیگران و منفعت عام باشد (دیک و دافی، ۲۰۰۹). هیچ یک از ما تمام امور زندگی خود را به تنهایی انجام نمی‌دهیم و برای داشتن یک زندگی متعادل به دیگران نیاز داریم و دیگران نیز به کاری که ما می‌کنیم، نیاز دارند. باز هم دست کم در نظر برخی، مردم،

1. A Transcendent Summons

۲. این چنین پروردگارت تو را برمی‌گزیند و از تعبیر خوابها به تو می‌آموزد و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می‌کند همان گونه که قبلاً بر پدران تو ابراهیم و اسحاق تمام کرد در حقیقت پروردگار تو دانای حکیم است

3. Other- Oriented Motives

ممکن است به طور مستقیم به دیگران کمک کنند. برای مثال معملین، مددکارهای اجتماعی، پزشکان، برخی دیگر این کار را به گونه غیرمستقیم انجام می‌دهند. هر محصولی که مصرف می‌کنیم باید توسط کسی ساخته شده، از خدماتی که بهره می‌بریم باید توسط شخصی ارائه گردیده و هر دستگاهی که کار می‌کند باید توسط فردی نگهداری و تعمیر شود. افراد دارای رسالت مسیر شغلی می‌دانند که شغلشان چه کمکی می‌کند، آنها می‌توانند تفاوتی را که ایجاد می‌کنند بر زبان بیاورند، حال هر اندازه که باشد. گذشته از این، کسانی که رسالت مسیر شغلی دارند، کارشان را به خاطر تفاوتی که ایجاد می‌کنند، انجام می‌دهند. بهبود منفعت عام به احتمال زیاد تنها انگیزه کارشان نیست، اما انگیزه‌ای بس محوری است در داستان حضرت یوسف در نظر گرفتن منفعت مردم نیز محسوس می‌باشد. حضرت یوسف انبارها را از سنگ و ساروج بنا کرد و دستور داد که زمین‌های مصر را درو کردند و گندم‌ها را با خوشه در انبارها نگه داشتند که این اقدامات هفت سال به منظور جلوگیری از خشکسالی طول کشید و در نهایت مردم از اطراف به سوی مصر می‌آمدند که از ایشان طعام دریافت کنند (مجلسی، ۱۳۸۴)



شکل ۱- مفهوم سازی چند بعدی دیک و دافی از رسالت مسیر شغلی (منبع نگارنده گان مقاله)

ارتباط رسالت شغلی با سایر متغیرها

رسالت شغلی با متغیرهای مهم ارتباط دارند به طور مثال دافی و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که فراخوان شغلی باعث بهبود تعهد شغلی و رضایت افراد و همچنین کاهش قصد ترک خدمت و میزان غیبت آنها می‌شود که در داستان حضرت یوسف نیز مشاهده می‌شود که ایشان برای به نتیجه رساندن تعهد خود (عبور از قحطی) نسبت به کار خود تعهد و رضایت داشت و همچنین غیبت و کم کاستی در انجام کارهای خود نشان ندادند هر چند سالیان متوالی از خانواده دور بودند ولی باز محل کار خود را ترک نکرد.

تجربه‌ی زود هنگام رسالت

همه‌ی افراد خانواده از جمله یوسف در کسب و کار خانوادگی یعنی مراقبت از احشام شرکت داشتند. مسئولیت‌های اصلی اعضا عبارت بود از چَرا، آب‌دهی و شمارش گله. اما یوسف متفاوت بود. اول اینکه او فرزند محبوب پدرش بود. لذا حضرت یوسف از توجه و عطوفت، مزایای خاص برخوردار بود: ((إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ)) (یوسف، ۸).^۱ دوم اینکه به حضرت یوسف وظایف متفاوتی داده بودند. گاهی وقتی برادرانش به صحرا می‌رفتند او با پدرش در خانه می‌ماند: ((أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ)) (یوسف، ۱۲).^۲ سوم اینکه علیرغم میراث کشاورزی و دامداری خانواده‌اش، او در سن نوجوانی خواب دید که کار متفاوتی را انجام می‌داد. برای فهم رویایش آن را با خانواده در میان گذاشت. او در خواب دید که خورشید، ماه و یازده ستاره برایش تعظیم کردند: ((إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ)) (یوسف، ۴).^۳ این عوامل و خواب‌ها باعث شد حضرت یوسف به این باور برسد که رسالتش (رهبری) را کشف کرده است اما حضرت یوسف سن و سال کمی داشت و امکان اینکه بر افراد رهبری کند بسیار بعید به نظر می‌رسید. رویای شغلی او به ظاهر دست نیافتنی بود.

داستان حضرت یوسف در بین یهودیت، مسیحیت و اسلام مشترک است. حضرت یوسف پسر محبوب پدرش در میان ۱۲ برادر (و یک خواهر) بود به طوری که برادرانش به او حسادت می‌ورزیدند و او را در چاه انداختند: ((فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ)) (یوسف، ۱۵).^۴ سپس ایشان توسط کاروانی در مصر بعنوان برده فروختند: ((وَشَرَّوهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ)) (یوسف، ۲۰).^۵ و در مصر پس از چندی او را به زندان انداختند: ((ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيْسَجْنُهُ حَتَّىٰ حِينٍ)) (یوسف، ۳۵).^۶ حضرت یوسف بعد از همه این اتفاقات دومین فرد در نظام سیاسی مصر شد و رسالت مسیر شغلی خود را با خواسته‌های دنیوی چون انتقام، قدرت، بازگشت سریع به دامان

۱. هنگامی که [برادران او] گفتند یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما که جمعی نیرومند هستیم دوست داشتنی ترند قطعاً پدر ما در گمراهی آشکاری است

۲. فردا او را با ما بفروست تا [در چمن] بگردد و بازی کند و ما به خوبی نگهبان او خواهیم بود

۳. [یاد کن] زمانی را که یوسف به پدرش گفت ای پدر من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم [انها] برای من سجده می‌کنند

۴. پس وقتی او را بردند و همداستان شدند تا او را در نهانخانه چاه بگذارند [چنین کردند] و به او وحی کردیم که قطعاً آنان را از این کارشان در حالی که نمی‌دانند با خبر خواهیم کرد

۵. و او را به بهای ناچیزی چند درهم فروختند و در آن بی رغبت بودند

۶. آنگاه پس از دیدن آن نشانه‌ها به نظرشان آمد که او را تا چندی به زندان افکنند

نوشین پردلان، صدف خلیجیان، شکوفه خمسه زاده، حمید حیدری و هانیه قویلد

پدر، ترک مصر و ... عوض نکرد و رسالت مسیر شغلی خود را در مصر از طریق به عهده گرفتن مسئولیت‌هایی سنگین دنبال می‌کرد: ((قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ)) (یوسف، ۵۵).

همانطور که گفته شد افرادی که رسالت دارند به این دلیل تن به کار می‌دهند که کار یک منشا الهی، لذت بخش، ارض‌کننده و معنادار است و فایده‌ی اجتماعی دارد و رسالت را بخاطر مزد یا جایگاه شغلی یا قدرت ناشی از شغل انجام نمی‌دهند: ((وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ)) (یوسف، ۱۰۴) ۲

معنای Calling در قرآن کریم

در ترجمه قرآن کریم به زبان انگلیسی (ترجمه عبدالله یوسف علی) ۹ بار به صورت مستقیم از واژه Calling استفاده شده است، در ترجمه قرآن کریم واژه Calling بیشتر به معنای فراخواندن، ندا دادن یا صدا کردن می‌باشد که با معنای رسالت شغلی نیز در بیشتر موارد متفاوت است. در ادامه به بیان معانی هر کدام پرداخته می‌شود

سوره آل عمران آیه ۱۹۳

"Our Lord! we have heard the call of one calling (Us) to Faith, 'Believe ye in the Lord,' and we have believed. Our Lord! Forgive us our sins, blot out from us our iniquities, and take to Thyself our souls in the company of the righteous." ۳

سوره آل عمران آیه ۱۵۳

Behold! ye were climbing up the high ground, without even casting a side glance at any one, and the Messenger in your rear was calling you back. There did Allah give you one distress after another by way of requital, to teach you not to grieve for (the booty) that had escaped you and for (the ill) that had befallen you. For Allah is well aware of all that ye do^f

۱. [یوسف] گفت مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار که من نگهبانی دانا هستم
۲. و تو بر این [کار] پاداشی از آنان نمی‌خواهی آن [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست
۳. پروردگارا! بی‌تردید ما [صدای] ندا دهنده‌ای را شنیدیم [که مردم را] به ایمان فرا می‌خواند که به پروردگارتان ایمان آورید. پس ما ایمان آوردیم. پروردگارا! گناهان ما را ببامرز، و بدی‌هایمان را از ما محو کن، و ما را در زمره نیکوکاران بمیران
۴. [یاد کنید] زمانی که [از میدان جنگ احد] تا مرز پنهان شدن از دیده‌ها دور می‌شدید و به هیچ کس توجه نمی‌کردید، در صورتی که پیامبر [که اجابت دعوتش واجب است] شما را از پشت سرتان فرا می‌خواند، پس خدا شما را به اندوهی روی اندوهی مجازات کرد تا بر آنچه [از پیروزی و غنیمت] از دستتان رفته و به آنچه [از آسیب و مصیبت] به شما رسیده، اندوهگین نشوید؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

معنای رسالت مسیر شغلی در قرآن کریم

در قرآن کریم (ترجمه قمشه ای) ۱۱۴ بار از واژه رسالت با زبان فارسی و ۲ بار با زبان عربی استفاده شده است که با ابعاد رسالت مسیر شغلی که در ادامه توضیح داده خواهد شد همخوانی دارد در زیر به برخی از این آیات اشاره خواهد شد.

سوره المائدة آیه ۶۷

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ای پیغمبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد (به خلق) برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای، و خدا تو را از (شر) مردمان محفوظ خواهد داشت، (و دل قوی دار که) خدا کافران را (به هیچ راه موفقیتی) راهنمایی نخواهد کرد.

سوره القصص آیه ۸۶:

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَاهِرًا لِلْكَافِرِينَ
و تو خود امید آنکه این کتاب بزرگ (قرآن) بر تو نازل شود نداشتی جز آنکه لطف و رحمت خدا تو را به رسالت برگزید، پس (به شکرانه این رحمت) هیچ گاه به کافران نصرت و یاری مکن. همانگونه که قبلاً گفتن شده افرادی که دارای رسالت مسیر شغلی هستند به حقوق و دستمزد توجهی ندارند و صرفاً بر روی خود کار تمرکز می‌کنند که دارای ارزش ذاتی است و با هدفی گسترده‌تر، در اصل برای ارتقاء خیر و صلاح مشترک، پیوند می‌یابد

الشعراء آیه ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴ و ۱۸۰

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ
و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست

نتیجه گیری

در این پژوهش ابتدا به بررسی مفهوم رسالت مسیر شغلی پرداخته شد سپس رسالت مسیر شغلی در قرآن کریم و زندگی نامه حضرت یوسف مورد بررسی قرار گرفت. هرچند برخی از منابع اعتقاد دارند که نفس مسأله رسالت هرگز کانون توجه الهیات اسلامی نبوده (مایرز، ۲۰۱۳) نتایج نشان دادند که در قرآن کریم به صورت مستقیم و غیر مستقیم به واژه رسالت اشاره شده است. و علاوه

بر داشتن رسالت، درست انجام دادن رسالت نیز مورد تاکید است ((يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ)) (المائدة، آیه، ۶۷). در صورتی که در پژوهش‌های دیگر این بعد از رسالت مسیر شغلی مورد تاکید نبوده است. واژه رسالت در قرآن کریم با پیامبری همسو بوده است و بیشتر جنبه مذهبی دارد و سه بعد رسالت مسیر شغلی (فراخوان متعالی، کار هدفمند، ارزش دیگر خواهانه) را در بر می‌گیرد در ادامه و با بررسی سوره یوسف مشاهده شد که زندگی حضرت یوسف علاوه بر داشتن ابعاد سه گانه رسالت مسیر شغلی ویژگی‌های رسالت مسیر شغلی از جمله عدم توجه به حقوق و مزایا را در بر می‌گیرد. در مقایسه رسالت مسیر شغلی در غرب و در متون اسلامی به خصوص قرآن کریم می‌توان گفت که اندیشمندان غربی رسالت مسیر شغلی را منحصر به دین و مذهب نمی‌دانند و اعتقاد دارند که هر فردی در زندگی خود ممکن است رسالت داشته باشد. به طور مثال یک قمار باز می‌تواند در مورد دلیل تبیین قمار بازی خود بگوید که من از قمار بازی احساس لذت می‌کنم و یا ندایی در درون مرا به انجام قمار تشویق می‌کند که در این مفهوم هر چند سه بعد رسالت مسیر شغلی وجود دارد ولی در قرآن کریم با توجه به داشتن ساختار شغلی و نهی از برخی مشاغل ابتدا نسبت به شغل‌ها دسته بندی ایجاد کرده (حرام و غیر حرام) است به طور مثال در قرآن کریم خرید و فروش شراب و انجام قمار حرام است: ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)) (المائدة، ۱۹۰). همچنین در قرآن کریم ربا خواری حرام است: ((الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)) (البقرة، ۲۷۵)^۲ سپس صفاتی را نسبت شغل داده است؛ به طور مثال در قرآن کریم تاکید شده است که در شغل خود کم فروشی نداشته باشید: ((أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ

۱. ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید

۲. کسانی که ربا می‌خورند ادر میان مردم و برای امر معیشت و زندگی [به پای نمی‌خیزند، مگر مانند به پای خاستن کسی که شیطان او را با تماس خود آشفته حال کرده [و تعادل روانی و عقلی اش را مختل ساخته] است، این بدان سبب است که آنان گفتند: خرید و فروش هم مانند ریاست. در حالی که خدا خرید و فروش را حلال، و ربا را حرام کرده است. پس هر که از سوی پروردگارش پندی به او رسد و [از کار زشت خود] بازایستد، سودهایی که [پیش از تحریم آن] به دست آورده، مال خود اوست، و کارش [از جهت آثار گناه و کیفر آخرتی] با خداست. و کسانی که [به عمل زشت خود] بازگردند [و نهی خدا را احترام نکنند] پس آنان اهل آتش اند، و در آن جاودانه اند.

رسالت مسیر شغلی از منظر قرآن کریم: (مطالعه موردی سوره حضرت یوسف)

المُخْسِرِينَ)) (الشعراء، ۱۸۱)^۱. پس می‌توان چنین تبیین کرد که رسالت مسیر شغلی از نظر قرآن بیشتر جنبه الهی دارد و هر مولفه دیگر زیر مجموعه این مولفه محسوب می‌گردد. از جمله پژوهش‌هایی که بعد مذهب در رسالت مسیر شغلی پرداخته‌اند می‌توان به پژوهشی که در آلمان توسط آندریاس هیرشی روانشناس انجام شده اشاره کرد. مطابق نتایج این محقق افرادی که مسیر شغلی خود را رسالت می‌دانند به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروهی بر بهبود شخصی خود تمرکز می‌کنند، گروهی به شدت مذهبی هستند و ارزشهای جامعه پسندانه قوی دارند و گروه آخر احساس می‌کنند کارشان نقش مهمی در زندگیشان داشته گروه اول نسبت به دو گروه دیگر اهمیت بیشتری به نقش کار در زندگی داده‌اند، اما دیدگاههای نسبتاً نامطلوبی نسبت به خود داشتند. (هیرشی توضیح می‌دهد: "ظاهراً این گروه متشکل از دانشجویان خودمحور و متزلزلی است که هدف کاری اصلیشان، دستیابی به منافع شخصی می‌باشد. این نوع عجیبی از رسالت است". دیدگاههای منفی آنها ممکن است علت اصلی تلاش آنها برای بهبود شخصی خودشان بوده باشد و آنها رسالت را مسیری برای رسیدن به چنین بهبودی دانسته‌اند. با وجود این تفاوتها، هر سه گروه در رابطه با توسعه مسیر شغلی خود پیشرفت داشتند و در کار خود به میزان بالایی از احساس هویت، اعتماد به نفس و تعهد دست یافته بودند. پژوهش هیرشی با نتایج تحقیقات دیک و دافی تا حدودی همسو است؛ این تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که تعهد دینی و ارزشهای جامعه پسندانه قویتری دارند، مادی‌گرا نبوده و مهربان‌تر، باوجدان‌تر و تجربه‌پذیرتر از دیگران هستند. در داستان زندگی حضرت یوسف تا به اندازه زیادی منشا رسالت برای حضرت یوسف به هم نزدیک و با اهمیت بودند و صرفاً تاکید بر یک بعد رسالت نداشت.

در پایان پیشنهاد می‌شود که محققین به شناسایی متغیرهای مهم شغلی از نظر اسلام و متون دینی بپردازند و یک الگوی بومی در این زمینه ارائه دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به معیارهای رسالت مسیر شغلی به بررسی زندگی پیامبران الهی م پرداخته شود. همچنین یک پرسشنامه بومی که در آن علاوه بر معیار فراخوان متعالی، صفات و ویژگی‌های رسالت دهنده نیز مورد سنجش قرار گیرد.

منابع

برنا محمد رضا، پردلان نوشین، خسروانی افشین، خلیجیان صدف، حسینیان سیمین (۱۳۹۴). تحلیل ساختاری رسالت مسیر شغلی پرستاران با مولفه‌های فرسودگی شغلی و خودکارآمدی.

مجله بالینی پرستاری و مامایی؛ ۴ (۴) ۱-۱۲

پردلان، نوشین؛ علیزاده، مرجان؛ خلیجیان، صدف؛ یزدانی، شهریانو (۱۳۹۵). ساختار عاملی و اعتبار یابی فرم کوتاه مقیاس رسالت چند بعدی مسیر شغلی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان

فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی ۳(۱۲) ۱۴۳-۱۵۸

پردلان، نوشین؛ محمد رضا، برنا؛ خلیجیان، صدف؛ سید طالبی، مرجان (۱۳۹۴). ساختار عاملی و اعتبار یابی نسخه فارسی رسالت مسیر شغلی در بین دانشجویان پزشکی، فصلنامه مشاوره شغلی و

سازمانی ۷(۲۳) ۴-۲۸

دیک، برایان و دافی، رایان (۱۳۹۵). رسالت مسیر شغلی خود را بسازید، ترجمه پردلان، نوشین، افزاری

زاده، فیض الله، اسمعیلی، انسیه و خلیجیان، صدف. کدیور: رشت

قرآن کریم

مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۴) *حیات القلوب*. انتشارات سرور: قم

Bellah, R. N., Madsen, R., Sullivan, W. M., Swidler, A., & Tipton, S. M. (2007). *Habits of the heart: Individualism and commitment in American life*. Univ of California Press.

Dik, B. J., & Duffy, R. D. (2009). Calling and vocation at work: Definitions and prospects for research and practice. *The Counseling Psychologist, 37*(3), 424-450.

Dobrow, S. R. (2013). Dynamics of calling: A longitudinal study of musicians. *Journal of organizational behavior, 34*(4), 431-452.

Douglass, R. P., & Duffy, R. D. (2015). Calling and career adaptability among undergraduate students. *Journal of Vocational Behavior, 86*, 58-65.

Duffy, R. D., & Dik, B. J. (2013). Research on calling: What have we learned and where are we going?. *Journal of Vocational Behavior, 83*(3), 428-436.

Duffy, R. D., & Sedlacek, W. E. (2010). The salience of a career calling among college students: Exploring group differences and links to religiousness, life meaning, and life satisfaction. *The Career Development Quarterly, 59*(1), 27-41.

Duffy, R. D., Bott, E. M., Allan, B. A., Torrey, C. L., & Dik, B. J. (2012). Perceiving a calling, living a calling, and job satisfaction: testing a moderated, multiple mediator model. *Journal of Counseling Psychology, 59*(1), 50.

Duffy, R. D., Douglass, R. P., Autin, K. L., & Allan, B. A. (2014). Examining predictors and outcomes of a career calling among undergraduate students. *Journal of Vocational Behavior, 85*(3), 309-318.

Hartung, P. J., Savickas, M. L., & Walsh, W. B. (Eds.). (2015). *APA handbook of career intervention, Vol. 2. Applications*. American Psychological Association. <https://doi.org/10.1037/14439-000>

Lobene, E. V., & Meade, A. W. (2013). The effects of career calling and perceived overqualification on work outcomes for primary and secondary school teachers. *Journal of Career Development, 40*(6), 508-530.

Myers, V. L. (2013). *Conversations about calling: advancing management perspectives*. Routledge